

تأثیر فاکتورهای مالی بر کوتاه بینی مدیران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سجاد برندک

گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی مقدس اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)
sajadbarandak@gmail.com

ندا جمشیدی

دانش آموخته حسابداری، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی مقدس اردبیلی، اردبیل، ایران.
nedajamshidy@gmail.com

لیلا محمدپناه

کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، تهران، ایران.
Leila.mohammadpanah70@gmail.com

مهوش امینی

کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر، ایران.
mhwsamyny@gmail.com

چکیده

فعالیت های کوتاه بینانه دارای نتایج موقت مطلوبی هستند و پیامدهای منفی آن در بلندمدت نمایان می شود. زیرا بازارهای سرمایه قادر به درک صحیح پیامدهای کوتاه بینی در زمان وقوع نیستند. مدیران با نگرش کوتاه بین، زمانی که با سود کمتر از سود مورد انتظار مواجه می شوند ممکن است با قطع مخارج تحقیق و توسعه و بازاریابی این نقص را به طور موقت مرتفع سازند ولی در بلندمدت این نوع دست کاری ها مؤثر نخواهد بود. مدل های نظری نشان می دهد که کوتاه بینی مدیران می تواند اشکال مختلفی داشته و با توجه به شرایط و موقعیت های مختلف ایجاد شود. این پدیده می تواند در یک سرمایه گذاری کمتر از واقع در دارایی های بلندمدت، ارائه سرمایه گذاری بیشتر از واقع دارایی های کوتاه مدت و یا انتخاب پژوهش های خاص جهت انطباق با وضعیت بازار تظاهر یابد. از این رو هدف پژوهش حاضر تأثیر فاکتورهای مالی بر کوتاه بینی مدیران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ و با نمونه مشتمل بر ۱۲۰ شرکت هست. جهت آزمون فرضیه های پژوهش مدل رگرسیونی لجستیک و از داده های ترکیبی برای تجزیه و تحلیل استفاده گردید. یافته های نشان می دهد که بین فاکتورهای مالی و کوتاه بینی مدیران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. یعنی هرچه قدر فاکتورهای مالی مثبت و قابل توجه باشند مدیران کمتر دید کوتاه مدت دارند که این می تواند برای برنامه ریزی آتی شرکت نیز مثمر ثمر واقع شود.

واژگان کلیدی: کوتاه بینی مدیران، فاکتورهای مالی، بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، حاشیه سود خالص.

مقدمه

لزوم استفاده بهینه از منابع محدود اقتصادی از دیرباز همواره مورد توجه بشر بوده است. از لحاظ علم مدیریت هم مفاهیمی چون تقسیم کار، وضع استانداردها، زمان سنجی و تدوین مبنای علمی مربوط، همگی در راستای افزایش میزان تولید با بهره گیری مقدار مشخصی از منابع بوده است. همچنین توجه به شرایط نیروی کار و حالات روحی و روانی و انگیزشی آن، عامل دیگری